

عراق در بستر تاریخ

وضع آموزش و پرورش و آموزش عالی در عراق
در گذشته و حال

تعلیم و تربیت

آموزش در عراق دو شکل سنتی و رسمی دارد.

آموزش غیر رسمی عراق بخصوص در بین شیعیان توانسته است حوزه پر نفوذی در جامعه عراق بنیان نهد. حوزه علمی عراق به منزله یک مرکز علمی فرهنگی معتبر، قدمتی هزار ساله دارد، این حوزه در اواسط قرن پنجم هجری توسط شیخ طوسی بنیان نهاده شد که ابتدا در بغداد شروع به کار کرده و سپس به نجف انتقال یافت، در سالهایی که عراق جزو قلمرو ایران بود، علمای شیعی بین دو حوزه نجف و اصفهان در

رفت و آمد بودند. از قرن یازدهم هجری، پس از اشغال ایران توسط افغانه، علمای ایرانی به عراق مهاجرت کردند. در این زمان ساختار اجتماعی و فرهنگی شهرهایی چون کربلا، نجف، بغداد و بصره به شدت تحت تأثیر زبان و فرهنگ فارسی قرار گرفت و از لحاظ مکتب فکری علمای ایرانی عمدتاً اصولی بودند و در عراق به اخباری‌ها غلبه یافتند.

پس از استقلال عراق، بار دیگر حوزه علمی عراق زیر فشار بریتانیایی‌ها قرار گرفت و با فشارهای موجود، طی دو دهه از آغاز قرن سیزدهم حوزه علمی عراق کمتر از خود تحرکی نشان داد و صرفاً

کند، با تخصیص بودجه و توزیع اسلحه بین عشایر طرفدار حکومت و ترور یا بازداشت کسانی که در برابر نقشه دولت مقاومت می‌کردند، به موفقیت‌هایی دست یافت. همچنین به رهبران حوزه و خانواده آنان برچسب جاسوسی زدند. در سال ۱۹۶۹م سید مهدی حکیم فرزند آیه الله سید محسن حکیم، به جاسوسی متهم گردید، این اقدامات، قیام عشایر الرمیثه را در پی داشت که سرکوب شد. عکس العمل حوزه و استادان برجسته نجف در برابر فشارهای حکومت در آغاز جنبه فکری و فرهنگی داشت اما به تدریج و پس از آغاز حرکت انقلابی توسط آیه الله شهید صدر ماهیت مبارزات دگرگون شد.

اما از زمانی که حزب بعث استبداد و خفقان را افزایش داد، ایجاد محدودیت برای حوزه علمیه شدت یافت. در سال ۱۹۶۸م که آغاز روی کار آمدن بعثی‌هاست، حوزه علمیه عراق حدود ۸۰۰۰ هزار نفر طلبه داشت که تداوم فشارها این تعداد را در اوایل دهه ۱۹۹۰م

عده‌ای از علما از جمله آیه الله کاشف الغطاء در برابر تنگناهای ایجاد شده توسط حکومت مرکزی مقاومت نمودند. با زعامت آیه الله سید محسن حکیم، طلاب جوان بسیاری از کشورهای چون لبنان، پاکستان، افغانستان و ایران به حوزه علمیه نجف رفتند و با ظهور آیه الله شهید سید محمد باقر صدر زمینه برای تحرک سیاسی و مشی انقلابی حوزه فراهم شد. با توجه به این که حوزه، استقلال مالی داشته و منابع مالی آن از وجوهات شرعی، موقوفات و هدایای مؤمنین تأمین می‌گردید، توانست در مقابل تهدیدها، فشارها و یورش ایستادگی نماید.

به رغم این موقعیت ویژه، با روی کار آمدن رژیم بعث در عراق، علمای شیعه طی چهار مرحله از سال ۱۹۷۰م تا ۱۹۹۱م از عراق اخراج شدند بعد از آن که در جنگ تحمیلی، ایران به پیروزی‌هایی دست یافت، حکومت بعثی با بهره‌گیری از احساسات ملی، کوشید پیوند دیرینه بین عشایر و حوزه را سست

لشکریان حزب بعث با شعار لا شیعة بعد الیوم (پس از این دیگر شیعه‌ای وجود ندارد)، به سوی مناطق شیعه نشین و جنوب عراق سرازیر گشتند و از هیچ جنایتی فروگذار نکردند، تمامی اسرای این دوره را کشتند و همگی آنان را در کنار هم در گودال‌هایی پیرامون نجف، کربلا، حله و محویل و چندین نقطه دیگر مدفون ساختند.

در روز سوم پس از سرکوب انتفاضه در جنوب عراق، سپاهیان خونخوار صدام تصفیة وحشتناکی را از علما و دانشمندان حوزه نجف که از ملیت‌های گوناگون بودند، آغاز کردند. این چهره‌های تابناک را به میانه راه کربلا و گروهی را نیز به پیرامون دریاچه‌ای در کنار کربلا به نام رزازه انتقال دادند و در محاکمه‌ای صحرایی همه را تیر باران نموده و به شهادت رسانیدند. در میان این

به ۶۰۰ نفر تقلیل داد که چند عامل در این سیر نزولی، نقش داشت:

شهادت آیه الله صدر و خواهرش بنت‌الهدی، اخراج و مصادره اموال، منع انتشار کتب مشاهیر و علمای حوزه، جنگ ایران و عراق و افزایش توان نظامی ایران نسبت به عراق^(۱).

دامنه سخت‌گیری بر نشر منابع درسی حوزه در اواسط دهه هفتاد به حدی رسید که اداره سانسور وزارت فرهنگ عراق حتی اجازه انتشار کتب نحوی را که در شرح ابن عقیل بر الفیة ابن مالک نوشته می‌شد، نمی‌داد و طلاب ناگزیر باید از جزوه‌های دست‌نویس و پلی‌کپی استفاده می‌کردند. زندانی، تبعید و اعدام دسته‌جمعی برخی از علما و روحانیان، تخریب مدرسه دینی دارالحکمة به شدت بر روند علمی و فکری حوزه عراق لطمه زد^(۲).

انتفاضه شعبانیة سال ۱۹۹۱م پس از شکست ماشین جنگی صدام در کویت، از سوی ملت مبارز عراق بخصوص شیعیان در جنوب آغاز گردید اما

۱. المقدمات الاساسیه للبنية الشیعة فی العراق، سید محمد حیدری، ص ۲۶ و ۲۷ و ۲۸
 ۲- مصاحبه با علی دوانی، روزنامه اطلاعات، ۱۹ فروردین ۱۳۶۱

۱۹۸۶م رشد ۳۰٪ را نشان می‌دهد. هفت مرکز تربیت معلم و دبیر و هشت دانشگاه در عراق عهده‌دار آموزش عالی است، دانشگاه‌ها عبارتند از: دانشگاه بغداد، دانشگاه المستنصریه بغداد با دو شعبه در بصره و موصل، دانشگاه مهندسی و علوم بغداد، دانشگاه هنر بغداد، دانشگاه بصره، دانشگاه موصل، دانشگاه صلاح الدین در اربیل، دانشگاه تکریت. در سالهای اخیر، دو دانشگاه دیگر در شهرهای صلاح الدین و الرشید تکمیل و راه‌اندازی شده‌اند و در تکریت، کوفه، رمادی (انبار)، دیوانیه (قادسیه) نیز چهار دانشگاه در حال تأسیس هستند.

از لحاظ توزیع جغرافیایی، اگرچه سعی شده مراکز علمی بین بخش‌های مختلف کشور توزیع گردد، اما با رعایت جنبه‌های سیاسی و این‌که مبادا دانشجویان به عامل خطری تبدیل شوند، این امر کاملاً رعایت نشده است. (عراق ساختارها و فرایند‌گرایش‌های سیاسی ص ۱۰).

۱. با کاشفان فروتن شوکران، دکتر هادی انصاری، روزنامه اطلاعات شماره ۲۲۷۹۰

کشته شدگان بیش از ۱۸۲ نفر مجتهد و عالم فرزانه دیده می‌شوند^(۱).

در خصوص سوادآموزی رسمی، آمارها متفاوت می‌باشد، در سال ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۱) ۵۸٪ مردم عراق سواد خواندن و نوشتن داشته‌اند. بین سالهای ۱۹۷۶م تا ۱۹۸۶م تعداد دانش‌آموزان در مقطع ابتدائی ۴۴٪ رشد داشته‌اند، میزان معلمان نیز رشد چشمگیری داشته‌اند و در سطح دبیرستان به ۷۸٪ رسیده است اما میزان رشد تحصیلی بانوان در این مقطع قابل توجه نیست و بیسوادی فزاینده زنان، امری نگران‌کننده بوده است. اگر چه آموزش در عراق رایگان بوده، ولی در این مورد تبعیض وجود داشته است زیرا در مناطق سنتی‌نشین مرکز، میزان ثبت نام در بالاترین سطح تحصیلی قرار داشته در حالی که این میزان در نواحی کردنشین در حداقل بوده است، در سالهای اخیر گسترش رشته‌های فنی حرفه‌ای در عراق رشد خیره‌کننده‌ای داشته است و تعداد ۲۰۰۰۰ نفری هنرآموزان در سال